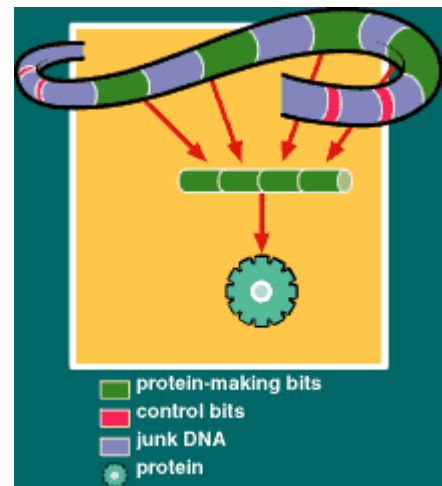
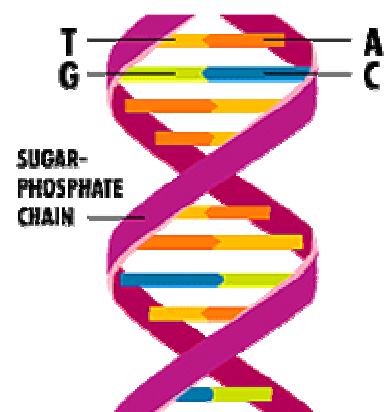


Junk DNA - دي ان اي بدون کاربرد؟

دانشمندان به پله ي بعدي در علم شناخت دي ان اي نزديك و نزديكتر ميشوند، آنها امروزه تقريباً "تمام ساختار دي ان اي را شناخته و ترسيم نموده اند. چيزي در تمام دن اي انسانها مشابه ميباشد كه " Junk DNA " يا دي ان اي بي ارزش و بي فايده ناميده ميشود. در واقع دانشمندان هيچ گونه فعاليت يا ويژگي خاصي از اين دي ان اي كشف نكرده اند و آن را بي فايده ناميده اند.



ولي در اصل اين دي ان اي به هيچ عنوان دي ان اي بي ارزشي نيست بلكه براي اعمال سايكيك يا رواني كار برد خواهد داشت.. شايد اين مطلب مانند برخي از فيلمها علمي تخيلي باشد ولي دانشمندان بر روي آن در حال تحقيق و جمع آوري اطلاعات بر روي همين قسمتها از دي ان اي هستند



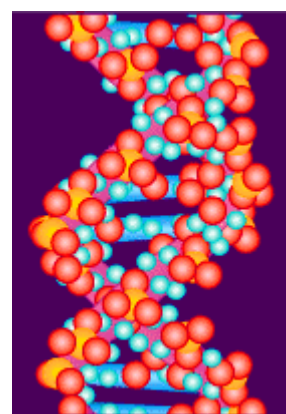
بسياري از افرادي كه گزارش داده اند كه اينچنين قابليت هايي دارند، روده شده اند. در واقع قسمتهاي از دي ان اي ما انسانها كه ظاهراً هيچ ويژگي و قابليتي ندارند كنترل قسمتهايي از مغزمان را ر عهده دارند كه ما از آنها استفاده نمي كنيم. در حال حاضر ما فقط ۱۰ درصد از مغزمان را بكار گرفته ايم پس چه كسي ميتواند بگويد كه ديگر قسمتهاي مغز ما كه در طول تكامل ما انسانها غيرفعال شده اند قابليتها و توانايي هاي سايكيك يا رواني ما، قدرت تله پاتيک، " Remote Viewing " و توانايی هایی از این قبیل را برعهده ندارند؟

چرا انسانها ناپدید یا ربوده میشوند؟

چرا انسانها ناپدید یا ربوده میشوند؟ تئوری ساده ای در این زمینه که چرا انسانها ربوده میشوند وجود دارد، بیگانگان یا موجودات ماورایی " Extraterrestrial " به این دلیل دست به ربودن میزنند که نژادی دو رگه از نسل انسان و بیگانگان بسازند که قابلیت‌های هر دو گونه را دارا باشد. در تمام ملاقاتها و ربوده شدن‌ها که افراد گزارش داده اند، بیگانگان از طریق صدا و به وسیله ی دهانشان صحبت نمیکرده اند بلکه از طریق تله پاتیک پیام خود را منتقل میکرده اند. بنظر میرسد در تکرار این ملاقاتها و ربایشها افراد گوناگون که در این وقایع حضور داشته اند قابلیت‌های سایکیک و تله پاتیک مشابهی را بدست آورده اند. به نظر من اگر موجودات فرازمینی میخواهند در تکامل ما تغییراتی بدهند پس چه بهتر که این قابلیت‌های نهفته و غیر فعال قسمتهای دی ان ای و مغز ما را باز فعال کنند که با اینکار انسانها قابلیت ارتباط کیهانی را بجای ارتباط جهانی پیدا خواهند کرد.

" Junk DNA " که در بدن ما به صورت غیر فعال وجود دارد در واقع میتواند قسمتی از " Blue Print " یا ساختار دی ان ای خلق کنندهگان ما باشد . ما توانایی اینکه از قسمتهای غیرفعال مغز خود استفاده کنیم را داریم، ولی در عوض جوامع بشری پیشرفتهی منفی (از نظر اجتماعی) داشته است که ما را از رسیدن به یک جامعه ی ایدئال بازداشته است.

برای اضافه کردن تجربیات شخصی به این تئوری میتونم بگم که : وقتی جوانتر بودم در چندین مورد خوابهای من به واقعیت پیوست. من راجع به داستانهای مسخره ی جن و پری نمیگویم، منظور وقایع حقیقی، مکان و زمان واقعی است! من در باره ی موضوعی مشخص خواب دیدم و در کمال تعجب همان اتفاق در روز بعد در مدرسه رخ داد.



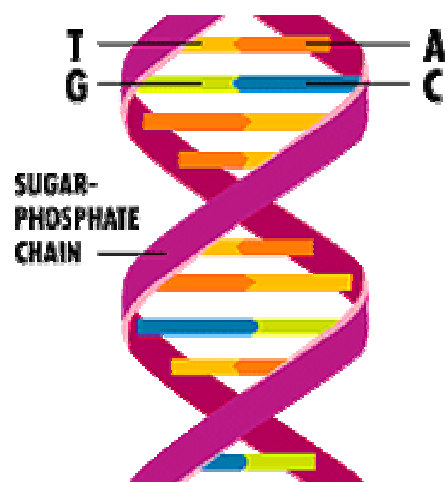
من در خانواده ای کاتولیک و مذهبی به دنیا آمدم به همین دلیل این قابلیت یا توانایی یا هرچیز دیگر که شما آن را خطاب میکنید در من کاسته شد و تقریباً از بین رفت. ولی از زمانی که از تمام دینها و عقاید روی گردان شدم دوباره این قابلیت در من پدیدار شد و طی مطالعات و تجربیات و ملاقاتهای اخیر در زمینه ی موجودات فرازمینی این قابلیت به شکل چشم گیری در من رشد کرده است.

" DNA " در واقع مخفف دئوکسی ریبونوکلئیک اسید میباشد که ساختار و دستور حیاتی برای تمام جانداران به حساب می آید. تقریباً تمام سلول های سازنده ی بدن شما شامل دي ان اي میباشند که بر طبق این دي ان اي ها صفات شما از شکل ظاهري گرفته تا چپ دست یا راست دست بودن شما را تعیین میکنند.

" DNA " مانند نردبانی بلند است که به دور خود به طور مارپیچ پیچیده شده است و به فرض اگر فقط یکی از " DNA " های داخل یکی از سلول های بدن شما یا من را باز کنند و مستقیم روی زمین بگذارند طول آن احتمالاً به بیش از ۲ یارد خواهد رسید، این در حالی است که ما انسانها تقریباً " نزدیک به ۵ تریون سلول در بدن داریم و اگر بخواهیم طول کل " DNA " های سلولهایمان را اندازه بگیریم طول بسیار زیادی را از " DNA " دي ان اي خواهیم داشت یعنی اگر با این تعداد " DNA " يك بار به خورشید برویم و برگردیم هنوز مقدار کافی از دي ان اي را برای انجام همین کار برای ۲۰ مرتبه ي دیگر را خواهیم داشت!

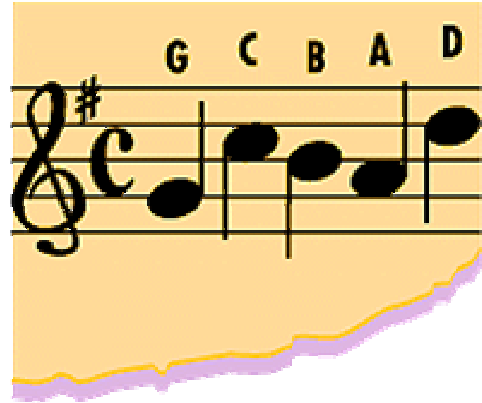
" DNA " خود نیز با چرخش به دور خود ساختمانی به اسم کروموزوم را تشکیل می دهد. شده است.. در حیوانات، گیاهان، قارچها و آغازیان این کروموزومها در نوکلئوس و در داخل محیط بسته ي سلول قرار دارند ولي در باکتریها و " archaea " ها کروموزومها بسته نیستند بلکه در سیتوپلاسم سلول آزاد میباشند و در آن قوطه ور هستند.

دو طرف نردبان " DNA " را رشته های زنجیری بلندی از مواد قندی و فسفات تشکیل میدهند و پله های آن از ۴ ماده ي شیمیایی اصلی یعنی آدنین " adenine /add-n-een / " گوانین " guanine /gwa-neen / " سایتوسین/سیتوسین/ " cytosine /sigh-tuh-seen / " و تاي مین یا تاي مین یا /تیمین/ " thymine /thigh-/ " تشکیل میدهند. آدنین همیشه با تاي مین تکمیل و گوانین هم همیشه با ساي توسین تکمیل میشود.



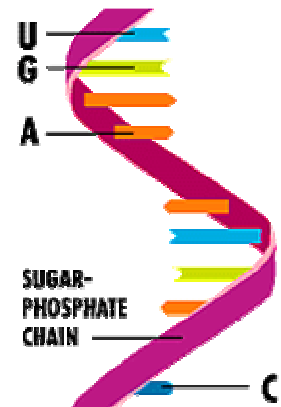
اینها قسمتهای اصلی " DNA " و کد ژنتیکی یا ساختار " Blue Print " که تعیین کننده ي ویژگی های موجودات زنده میباشند را تشکیل میدهند. ممکن است در ابتدا درک این مطلب عجیب باشد که چه تفاوتی در ساختار شیمیایی " DNA " دي ان اي باعث بوجود آمدن يك ملخ كوچك و يك فيل عظيم الجثه با تفاوت جزئي در نوع و ترتیب جاي گيري این ۴ اصل دي ان اي وجود دارد؟

کدهای ژنتیکی درست همانند نت‌ها در موسیقی می‌باشند. در موسیقی ساختار تمام آهنگها و تونها فقط از ۸ نت مختلف تشکیل شده است که این ۸ نت بارها در تمام سالها و در محدوده‌ی وسیعی از ترکیب‌نتها، تنظیم و بازچینی شده‌اند، از زمان بتهوون تا رپرهای امروزی همه از ترکیب و تلفیق همین ۸ نت استفاده می‌کرده‌اند و میکنند.



با توجه به همین نکته می‌توان گفت که ۴ ماده‌ی اصلی تشکیل‌دهنده‌ی "DNA" هم درست همانند نت‌های موسیقی با جایجایی‌ها و چیدمانهای مختلف باعث پدید آمدن این تعداد از گونه‌های موجودات زنده شده‌اند.

بعضی از ویروسها بجای داشتن "دی‌ان‌ای"، "RNA" را در ساختار خود دارند که مخفف کلمه‌ی ریبونوکلئیک اسید "ribonucleic acid" است.



از آن‌ها درست مانند یک نیمه‌ار دی‌ان‌ای نردبانی می‌باشد و دارای فقط یک رشته از قند و فسفات است و همچنین ۴ عنصر اصلی که اینبار همدیگر را کامل نمی‌کنند. در آن‌ها بجای تایمین، یوراسیل "uracil /your-uh-sill/ U" وجود دارد.

وقتی "RNA" ویروسها سلولی را آلوده می‌سازد در ابتدا قبل از ایجاد و تولید ویروسهای بیشتر، ویروس با استفاده از دی‌ان‌ای سلول میزبان "RNA" خود را تکمیل کرده و به "DNA" تبدیل می‌کنند و در اینجاست که ویروس با از بین بردن غشای سلول از آن خارج شده و هر ویروس جدید به سلولی دیگر برای تولید مثل وارد خواهد شد.